سُورَةُ الفَجْر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ①
وَلَيَالٍ عَشْرٍ ②
وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ③
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ④
هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ⑤
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑥
إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ⑦
الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ⑧
وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ⑨
وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ⑩
الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ⑪
فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ⑫

سوره فجر مکی است وآن سی آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بصبح (١) .

وبشب های ده گانه[١] (٢) .

وقسم بجفت وطاق[٢] (٣) .

وقسم به شب چون روان شود (٤) .

آیادرین مقدمه سوگندی معتبر هست صاحب خردرا[٣] (٥) .

آیاندیدی که چگو نه معامله کرد پروردگار تو باقوم عاد (٦) .

ارم خداوندان قدهای بلند (٧) .

که آفریده نشده است مانند آن درشهرها (٨) .

وچگونه معامله کرد باقوم ثمود که تراشیده بودند سنگهای بزرگ را دروادیِ قریٰ (٩) .

وچگونه معامله کرد بافرعون صاحب میخها[٤] (١٠) .

همه این جماعتها آنانکه سرکشی کردند درشهر ها (١١) .

پس بسیار بعمل آوردند درآنجافساد را (١٢) .

---

(١) يعنی عشرهٔ ذوالحجه .

(٢) يعنی بعض نماز جفت ست و بعض طاق .

(٣) که خدا جزادهندهٔ بندگان است براعمال ایشان .

(٤) يعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد .

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

پس بریخت برسرایشان پروردگار تویك دفعه عذاب (١٣) .

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

هرآئینه پروردگار توبه کمین‌گاه است (١٤) .

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

پس اماآدمی چون امتحان کندش پروردگار اوپس گرامی کندش ونعمت دهدش پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا (١٥) .

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾

واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق وی را گوید پروردگار من حقارت کرد مرا (١٦) .

كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

هرگز، بلکه‌گرامی نمیدارید یتیم را (١٧) .

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

ویکدیگررا رغبت نمیدهید برطعام دادن فقیر (١٨) .

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾

ومیخورید مال میراث را خوردن بسیار[1] (١٩) .

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

ودوست میدارید مال رادوست داشتن بسیار[2] (٢٠) .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

نَی نَی، چون پست کرده شود بلندی زمین را پست کردن بعد پست کردن[3] (٢١) .

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

وبیاید پروردگار تو وبیایند فرشتگان صف صف شده (٢٢) .

---

(١) یعنی زنان و یتیما نراحق ایشان نمید هید وحق ایشان را بمال خود جمع می کنید.

(٢) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم واطعام مسکین ست آنرامی باید کردوشما باین صفت هستید که یتیمان راحق ایشان نمی دهید وحق ایشانرا بمال خود جمع میکنید .

(٣) یعنی جبال واتلال را باسائر ارض برابر کرده شود .

وَجِاْىٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ
وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾

يَقُولُ يَٰلَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى ﴿٢٤﴾

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾
يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفْسُ ٱلْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

ٱرْجِعِىٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

فَٱدْخُلِى فِى عِبَٰدِى ﴿٢٩﴾
وَٱدْخُلِى جَنَّتِى ﴿٣٠﴾

سُورَةُ ٱلْبَلَدِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقْسِمُ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ﴿١﴾

وَأَنتَ حِلٌّۢ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ﴿٢﴾
وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾

لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِى كَبَدٍ ﴿٤﴾

وآورده شود آنروز دوزخ را، آنروز یادکند آدمی وکجاباشد اورانفع آن یادکردن (٢٣) .

گوید ای کاش من می فرستادم عملِ نیك برای این زندگانیِ جاودانیِ خویش (٢٤) .

پس آنروز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچکس (٢٥) .

وبزنجیر نبندد مانند بستن او هیچکس (٢٦)[1].

(گفته شود روحِ مومن راوقتِ مرگ) ای نفس آرام گیرنده (٢٧) .

باز گرد بسوی پروردگارخویش توخوشنود شده وازتونیز خوشنودگشته (٢٨) .

پس درآی بزمرۀ بندگان خاص من (٢٩) .

ودرآی به بهشت من (٣٠) .

سوره بلد مکی است وآن بیست آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم میخورم باین شهر (یعنی مکّه مبارك) (١) .

وتوحلال خواهی شد باین شهر[2] (٢) .

وقسم میخورم بزاینده وبهرچه زاده است[3] (٣) .

هرآئینه آفریدیم آدمی رادرمشقت[4] (٤) .

(١) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیراوبرآن قادر نیست والله اعلم .
(٢) یعنی تراقتال درمکه حلال خواهد شد .
(٣) یعنی آدم وجمیع ذریت او .
(٤) یعنی عادت آدمی ست که بقوت خود فخر کند ونه بیند که چه قدر ناتوانی ها =